

۵ سال قبل کسی برای من وثیقه نگذاشت

احسان حدادی: شاید توکیو آخرین المپیک من نباشد

بعد از لندن باید یکی مدیریتم می کرد



و خیلی از اتفاق ها نمی افتاد. فرصت های زیادی برایم بوده که به خاطر خوب مدیریت نشدن، سوختند.

علی دبیر گفت تو مدال المپیک می گیری در این لحظه خاطرهای از علی دبیر را به یاد می آوری؛ وقتی علی دبیر بعد از المپیک آن کنشش را جراحی کرده بود، من کمتر از ۲۰ سال داشتم. آقای کاشیان می خواست به ملاقات دبیر برود. من را همراه خود برد. آن موقع دبیر به من گفت تو می توانی از المپیک مدال بگیری. نمی دانید وقتی یک قهرمان المپیک به من می حرف می زد، چه تأثیری روی من گذاشت البته من همیشه به او فکر می کردم که باید در المپیک مدال بگیرم اما وقتی یک قهرمان المپیک این حرف را می زد، تأثیرش چند برابر می شود.

قبل از یکن گفتم مدال نمی گیرم با این توضیح احسان در باره المپیک بکن می گوید: جایی که تادو، سه ماه قبل از المپیک شانس مسلم طلا بود اما کشف آسیب دید. احسان رکورد های فوق العاده ای را ثبت کرده بود و وقتی قبل از المپیک در بازید رئیس وقت سازمان قهرمانی آسیا دیدم و کاری از دستم بر نمی آید، با صحبت جالب علی آبیاری مواجه شد که گفت: «برو شش تا تاب است و بلاخره تو یکی از آنهایی کاری بکن.» احسان به خوبی آن روز را به یاد می آورد می گوید: «آقای قراخلو آن موقع رئیس کمیته بود، به همراه آقای کاشیان و علی آبیاری برای بازید از تمریناتم آمدند به محل اردو. من همان روز اعلام کردم گفتم آسیب دارم اما مصدومیت را خیلی جدی نگرفتم. حتی آقای علی آبیاری گفت برو و بیک کاری بکن.»

احسان حرف هایش را با این جمله ادامه می دهد: «بکن جایی بود که باید طلای می گرفتم اما مشروط بر اینکه مصدوم نمی شدم. یکی، دو سال قبل از المپیک رکورد های خیلی خوبی زده بودم و همه مطمئن بودند طلای بازی های آسیا می آورم. حتی موقع افتتاحیه، من در ایران از طریق یک شبکه خارجی افتتاحیه بازی ها را می دیدم. گزارشگرانیایی از من به عنوان شانس طلای کاروان ایران نام برد و گفت احسان حدادی که در روزه حضور ندار، شانس ایران برای طلای المپیک بکن است. این مثال را زدم تا ثابت کنم در بعد بین المللی ورزش هم بعد از قیام های خوبی که در لیگ طلایی داشتم، اینطور جا افتاده بود که شانس مدال هستم اما وقتی گفتم آسیب دیدم، می دانستم این فرصت را از دست داده ام. اما با این حال و با وجود اینکه به مسئولان گفتم، به بکن اعزام شدم و همان اتفاق افتاد.»



عکس هایی که از احسان به جا مانده نشان می دهد او قدری هم از نتیجه ای که کسب کرد، شوکه شد: «خیلی ناراحت شدم و حسرت می خوردم. تا دو ماه قبل از المپیک همه قهرمان های بزرگ دنیا را گرفته بودم و آنقدر که شوق بودم که فکر نمی کردم آسیب دیدگی همه چیز را برهم بریزد. فکر می کردم با همین روند در المپیک مدال می گیرم و چیزی مانع نمی شود. اما وقتی مصدوم شدم و در طول تمرین درد زیادی احساس می کردم، متوجه شدم خیلی کاری از دستم بر نمی آید. یادم هست وقتی از یکن برمی گشتم، چند نفر از مسئولان هم در پرواز ما بودند. برخی از آنها به من می گفتند «تو هم که خراب کردی.» البته من هیچ وقت آدم خجالتی نبودم و می توانستم از خودم دفاع کنم اما دوست نداشتم در این موقعیت باشم.»

و بعد از برگشت از یکن، احسان حدادی به اعلان رفت تا در

لیگ طلایی شرکت کند و همان موقع بود که حرف و حدیث های زیادی به وجود آمد: «خیلی ها گفتند چرا رفته؟ مگر مصدوم نبود؟ اما من مجبور بودم در آن مسابقه شرکت کنم. در تمام لیگ ها نتایج فوق العاده ای گرفته بودم و اگر در اشتونگارت، حتی پنجم هم می شدم باز در مجموع اول می شدم. اما به خاطر همین مصدومیت هشتم شدم. بعد به بلاروس، فنلاند و روسیه رفتم. در نهایت مدیر برنامه ام پیشنهاد داد به آلمان برویم و در نهایت در مانرما را شروع کردم.»

یکی از شاگرد های که برخی مواقع در باره المپیک بکن مطرح می شود، این است که تعدادی از ورزشکاران به خاطر مسائل سیاسی عملکرد واقعی خود را نشان نداده اند. احسان پاسخ صریح می دهد: «من هیچ وقت از کسی که به خاطر مسائل سیاسی عملکرد واقعی خود را نشان نداده اند، احسان پاسخ صریح می دهم.»

روشنی به این اتهام می دهد: «کدام ورزشکار احمقی چنین کاری می کند. ورزشکار چند سال مهم زندگی اش به ویژه چهار سال قبل از المپیک را می گذارد تا نتیجه بگیرد. خود را مثال بزنم. اگر روز مسابقه المپیک به من نگویند ۲۰۰ میلیارد به تو می دهم، مسابقه نده. اصلاً حاضر نیستم به آن فکر کنم. چه برسد به اینکه قبول کنم هر روز شکاری می داند مدال المپیک زندگی اش را از این رو به آن روی می کند: چه در بعد مادی، چه جنبه های دیگری پس هیچ انگیزه ای باعث نمی شود ورزشکاری کار در المپیک زمین بگذارد.»

مسئولان فکر نمی کردند در لندن مدال بگیرم احسان بعد از کالی روز های برماجرایه حوالی لندن می رسد: «ماه های مانده به المپیک لندن خیلی خوب پیش رفت. بزرگ، ماساژور و همه امکاناتی که می خواستم در اختیارم بود. اما باز اجازه ندادند بزرگم در دهکده ساکن شود. آن موقع می گفتم خوب برخی مسئولان که نیازی به حضورشان نیست. آنها را در بیرون از دهکده اسکان می دادید و در عوض بزرگ و ماساژور من به دهکده می آمدند که می توانستند به همه ورزشکاران کمک کنند. این موضوع آنقدر من را به هم ریخت که شب قبل از مقدماتی خیلی زیاد گریه کردم. می گفتم این همه خرج کردید، این سه روز را هم تحمل می کردید. البته دکتربهرامی آمد پیش من اما ایشان با همه محبتی که به من داشت، خیلی از مسائل من را نمی دانست. رئیس فدراسیون یا چهار تا نماینده مجلسی که به المپیک می آمدند، در آن لحظه دردی از ورزشکاران دو نمی گفتند اما مربی و کسانی که ورزشکاران در چند سال قبل از المپیک با آنها بوده اند، باید کنارشان باشند. به هر حال با این حال و هوای مقدماتی را خوب پشت سر گذاشتم و برای فینال به ورزشگاه اصلی لندن رفتم.»

برافخارترین بازیگر دیسک آسیا به خوبی به یاد می آوری که آن شب من مسئولان کاروان به سالن زنه برداری رفته بودند: «آن شب فقط رئیس فدراسیون، مسئول خراست وزارت ورزش و تیمور غیانی در محل برگزاری مسابقه بودند و همه رفته بودند تا مسابقه به اتمام برسد. احتمالاً هیچ کدام شان فکر نمی کردند من مدال بگیرم. البته وقتی خبر مدال آوری ام به بقیه اعضای کاروان رسید، آقای افشارزاده سریع خودش را به ورزشگاه رساند. بعد که به دهکده برگشتم، برخی از مسئولان به دهکده آمدند تا مرا ببینند. نمی خواستم از اتاقم به طبقه پایین بروم. در نهایت با اصرار افشین داوری که رئیس فدراسیون بود، رفتم. آن شب من، بهداد و سجاد نوشیروانی برای کاروان مدال گرفتیم و شب استثنایی بود. یوسف کریمی هم همان روز مسابقه و شانس مدال داشت. اما شرایطش به هم ریخت. گفت شب قبل اصلاً نتوانسته بود بخوابد. من هم شب بعد از مسابقه نتوانستم بخوابم. حس عجیبی داشتم. هم

نمی دانم در این المپیک چه شرایطی رقم می خورد. شاید آخرین المپیک باشد، شاید هم نباشد. شاید نتیجه خوبی بگیرم و سوسه شوم که به نامم

روشنی به این اتهام می دهد: «کدام ورزشکار احمقی چنین کاری می کند. ورزشکار چند سال مهم زندگی اش به ویژه چهار سال قبل از المپیک را می گذارد تا نتیجه بگیرد. خود را مثال بزنم. اگر روز مسابقه المپیک به من نگویند ۲۰۰ میلیارد به تو می دهم، مسابقه نده. اصلاً حاضر نیستم به آن فکر کنم. چه برسد به اینکه قبول کنم هر روز شکاری می داند مدال المپیک زندگی اش را از این رو به آن روی می کند: چه در بعد مادی، چه جنبه های دیگری پس هیچ انگیزه ای باعث نمی شود ورزشکاری کار در المپیک زمین بگذارد.»

مسئولان فکر نمی کردند در لندن مدال بگیرم احسان بعد از کالی روز های برماجرایه حوالی لندن می رسد: «ماه های مانده به المپیک لندن خیلی خوب پیش رفت. بزرگ، ماساژور و همه امکاناتی که می خواستم در اختیارم بود. اما باز اجازه ندادند بزرگم در دهکده ساکن شود. آن موقع می گفتم خوب برخی مسئولان که نیازی به حضورشان نیست. آنها را در بیرون از دهکده اسکان می دادید و در عوض بزرگ و ماساژور من به دهکده می آمدند که می توانستند به همه ورزشکاران کمک کنند. این موضوع آنقدر من را به هم ریخت که شب قبل از مقدماتی خیلی زیاد گریه کردم. می گفتم این همه خرج کردید، این سه روز را هم تحمل می کردید. البته دکتربهرامی آمد پیش من اما ایشان با همه محبتی که به من داشت، خیلی از مسائل من را نمی دانست. رئیس فدراسیون یا چهار تا نماینده مجلسی که به المپیک می آمدند، در آن لحظه دردی از ورزشکاران دو نمی گفتند اما مربی و کسانی که ورزشکاران در چند سال قبل از المپیک با آنها بوده اند، باید کنارشان باشند. به هر حال با این حال و هوای مقدماتی را خوب پشت سر گذاشتم و برای فینال به ورزشگاه اصلی لندن رفتم.»

برافخارترین بازیگر دیسک آسیا به خوبی به یاد می آوری که آن شب من مسئولان کاروان به سالن زنه برداری رفته بودند: «آن شب فقط رئیس فدراسیون، مسئول خراست وزارت ورزش و تیمور غیانی در محل برگزاری مسابقه بودند و همه رفته بودند تا مسابقه به اتمام برسد. احتمالاً هیچ کدام شان فکر نمی کردند من مدال بگیرم. البته وقتی خبر مدال آوری ام به بقیه اعضای کاروان رسید، آقای افشارزاده سریع خودش را به ورزشگاه رساند. بعد که به دهکده برگشتم، برخی از مسئولان به دهکده آمدند تا مرا ببینند. نمی خواستم از اتاقم به طبقه پایین بروم. در نهایت با اصرار افشین داوری که رئیس فدراسیون بود، رفتم. آن شب من، بهداد و سجاد نوشیروانی برای کاروان مدال گرفتیم و شب استثنایی بود. یوسف کریمی هم همان روز مسابقه و شانس مدال داشت. اما شرایطش به هم ریخت. گفت شب قبل اصلاً نتوانسته بود بخوابد. من هم شب بعد از مسابقه نتوانستم بخوابم. حس عجیبی داشتم. هم

تلاش می کردم سالم به المپیک توکیو برسم

ند انستون در ورزش گاهی خیلی خوب است. احسان با این دیدگاه نمی داند چند روز آینده در المپیک توکیو برایش چه اتفاقی می افتد: «آنگنا که برای تریک روز تولدم با من تماس گرفت، گفت فقط کاری کن که سالم به المپیک برسی، چون برای ورزشکاری در این سن و سال، ندانستن مصدومیت مهم ترین مساله است. آنگنا در یکن مدال برنز گرفت و در لندن مصدوم بود اما این حال چهارم شد. حالا هم نمی دانم برای من چه شرایطی پیش می آید. مصدومیت موضوع تازه ای نیست اما همیشه مراقبش بودم. به هر حال ورزش حرفه ای این آسیب ها را دارد اما همیشه تمرینات مختص کمبر را زیاد انجام می دادم تا کمبر آسیب نبیند اما سال گذشته و بعد از یک ماهی که به خاطر کرونا مجبور به استراحت شدم، درد سراغم آمد. در این مدت



صحبت های درگوشی رئیس کمیته ملی المپیک با دادگر درباره شانس های مدال



پرچمدار ایران تاکام در مسابقات تیراندازی



تنها حامیان تریا آقایی در رقابت دیروز



چهره عجیب آلکتو در روز برد ایران



روز درخشش زن بدمیتون



زانی ها فهمیدند ایرانی ها هم عاشق سفره خانه هستند!



یک از مشت هایی که نشانین به یوکسور زانی زد اما داوران ندیدند



تاکامی نکواندو حرف اول این روزها



نمایی از استاد معروف